

« بسمه تعالی »

دانشگاه فرهنگیان - پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

وامد امام خمینی تربت میدریه

جلسه ششم - آموزش غیرمضوری - گروههای ۷۱-۷۲-۷۳

درس روانشناسی رشد

مدرس: دکتر شعبانی

موضوع: نظریه پیاژه (بخش اول)

منبع اصلی: فصل پنجم کتاب لورا برگ ۳۱۶-۳۳۸

منابع فرعی: روانشناسی رشد - اسماعیل بیابانگرد

روانشناسی پرورشی نوین - علی اکبر سیف

دانشجویان گرامی:

نظریه شناختی پیاژه را ترم اول در درس روانشناسی تربیتی مطالعه فرمودید لیکن

ادبیات آموزشی آن در همه منابع ممکن است چندان قابل فهم و روان نباشد

به همین دلیل این مبحث در چند بخش ارائه میشود و برای درک بهتر، کلید واژهها را

مشخص کنید و در یک نگاه گشتالتی ارتباط کلی آنها را درک کنید.

نظریه شناختی ژان پیاژه: (بخش اول)

ژان پیاژه کودکان را به صورت کاوشگران فعال و با انگیزه ای در نظر داشت و وقتی مستقیماً روی محیط تأثیر می‌گذارند، تفکر آنها رشد می‌کند. به نظر پیاژه هوش تابع دو اصل عمومی است: یکی میل به سازگاری با محیط و دیگری میل به منظم کردن و شکل دادن فرایندهای فکری به صورت نظامهای همگن. به نظر او، هوش نمونه ای خاص از انطباق زیستی است که فرایند زیستی هضم محتوی را به صورتی در می‌آورد که قابل استفاده باشد، فرایندهای هوشی نیز تجارب کودک را به صورتی در می‌آورد که در تعامل با محیط مورد استفاده او قرار گیرد. از نظر او ذهن کودک سافتارهای روانشناختی را طوری تشکیل می‌دهد که با واقعیت بیرونی بهتر مطابقت پیدا کنند. به عقیده پیاژه تمام جنبه های شناخت به صورت یکپارچه و منسجم رشد می‌کنند و در زمان یکسانی به شیوه مشابه تخییر می‌یابند. اولین مرحله پیاژه مرحله مسی مرکتی دو سال اول زندگی را در بر می‌گیرد که نوباوگان و کودکان نوپا با پیشمها و گوشها، دستها و تجهیزات مسی _ مرکتی دیگر فکر می‌کنند و تجربیات خود را در گفتار، حالت بدن و بازی نشان می‌دهند.

عقاید پیاژه درباره تخییر شناختی:

. پیاژه می‌گوید: « از نظر زیستی، سازماندهی محیط از فرایند سازگاری قابل تفکیک نیست. این دو، فرایندهایی مکمل برای یک مکانیسم وامدند.

سازگاری: سازگاری با محیط، خود از طریق دو فرایند مکمل و به هم پیوسته

درونسازی و برونساز تحقق می‌یابد:

درونسازی و برونسازی : پیاژه با این اعتقاد به مطالعه ماهیت شناخت و تحول آن در کودک می پردازد که کودک موجودی است ذاتاً فعال و خودش علت اولیه اعمال ذهنی اش است . بنابراین ، هر گونه شناخت در کودک از طریق تعامل فعال وی با محیط خارج به وجود می آید . هوش ، توانایی برقراری کنش متقابل و کارآمد با محیط است . به زعم پیاژه ، هدف هوش ، سازگاری با محیط است . برای مبادله کارآمد با محیط و سازگاری با آن، دو عمل مکمل یکدیگر نیز لازم است تا تجارب فرد در قالب سافتهای شناختی یکپارچه شود . یعنی فرایندهای درونسازی و برونسازی . هضم و جذب تجارب جدید ، یا از طریق یکی کردن با سافت ذهنی موجود انجام می گیرد یا با ایجاد و توسعه سافتهای ذهنی جدید . به اعتقاد پیاژه سافتهای ذهنی جدید در صورتی ایجاد می شوند که سافت ذهنی موجود برای درک رویدادها جدید کافی یا مناسب نباشد ، در این صورت ، کودک موظف می شود پاسخی سازگار و مناسب با خصوصیات این رویداد جدید ارائه دهد . اما اگر این رویداد به سازگاری بیش از حدی نیاز داشته باشد ، نادیده گرفته می شود و سازگاری صورت نمی گیرد . برای مثال ، رفتار کودکی که برای اولین بار با توپی روبرو می شود ، می تواند بیان کننده اصول مورد نظر پیاژه باشد . کودک به وسیله تجارب قبلی خود با اشیاء ، مهارتهایی مانند نگاه کردن و چنگ زدن را در خود سازمان داده است و از این رو ، در رسیدن به هدف و کوشش برای برداشتن توپ از این تجارب سود می جوید . اگر کودک تجربه ای در

برداشتن شیئی که غلطان است نداشته باشد ، نخستین کوششهایش احتمالاً با موفقیت همراه نخواهد بود . بنابراین ، کودک با برونسازی شیء جدید ، یعنی با تخییر مهارت چنگ زدن که در آن ورزیده شده است و درونسازی این شکل جدید در سافت یا طرمواره خود از اشیایی که باید برداشته شود به سازگاری می رسد.

فرایندهای درونسازی و برونسازی نباید دو تابع مجزا باشند ، زیرا همواره با یکدیگرند ، مثالی در این زمینه می تواند مسأله را روشن کند . تصور کنید کودکی برای اولین بار یک گاو می بیند ، ولی از قبل ، طرمی از اسب در ذهن خود دارد ، وقتی از او می پرسند که « این چیست ؟ » کودک جواب می دهد : « اسب » . در این مثال ، کودک اطلاعات جدید (تصویر گاو) را گرفته و آن را در طرم اسب ، درونسازی کرده است . البته برای این که چنین درونسازی اتفاق افتد ، طرم اسب کمی تخییر می کند (برونسازی) تا اطلاعات جدید در آن جای گیرد (گلور و برونینگ ، ۱۹۹۰) . در هر حال با تجربیات دیگر ممیطی و سازگاری با آنها (برونسازی) طرمواره های جدیدی شکل می گیرد که بعد از این می تواند قابلیت درونسازی دریافتهای کودک را داشته ، از سایر طرمواره های متمایز باشد. در این مثال ، اگر کودک بتواند با دیدن گاو آن را تشخیص دهد طرمواره جدیدی از گاو تشکیل شده که با طرمواره اسب متفاوت است . در سازماندهی به نظر پیازه کودک دائم در تلاش است تا آن چه را که با آن از نظر شناختی سازگار شده است در قالب سافتهایی به مراتب منسجم تر و کارآتر سازمان

دهد . سازماندهی را می توان فرایند شکل دهی الگوهای منسجم و منظم فکری دانست که با هدف کارا تر شدن انسان در تعامل با محیط انجام می گیرد .

مفهوم سازماندهی وقتی مصداق می یابد که کودک دو مهارت را با یکدیگر ترکیب کند و به مهارت پیچیده تری برسد . برای مثال کودک از یکی کردن دو مهارت ساده نگاه کردن و چنگ زدن ، به مهارت پیچیده ای مثل برداشتن چیزی ضمن نگاه کردن به آن می رسد . سازماندهی و سازگاری با فرایند تعادل جویی تنظیم شده و طرمواره ها یا سافتهای ذهنی را به وجود می آورد . طرمواره ها بر سافتهای شناختی اولیه در دوران نوزادی مبتنی است ، ولی بتدریج با فرایندهای درونسازی یا جذب و برونسازی یا انطباق پیچیده تر می شوند . کودک به وسیله طرمواره ها ، بین تجارب خویش تمیز قائل می شود و آنها را از تجربه ای به تجربه دیگر تعمیم می دهد . برای مثال اگر اولین توپی که کودک می بیند کوچک و قرمز باشد ، وی آن را نمونه همه توپها تصور می کند ولی وقتی توپهای دیگری ببیند که رنگ و اندازه های متفاوتی دارند ، میل کودک به تعادل جویی باعث می شود که ناهماهنگی موجود بین تجربه قبلی و بعدی در مورد توپ را به کمک دو فرایند برونسازی و درونسازی از بین ببرد و به مفهوم گسترده تری از توپ برسد . سرانجام، زمانی فرا می رسد که کودک با تصویری که از توپ دارد می تواند انواع آن را تشخیص دهد و خصوصیات مشترک آنها را دریابد . انطباق مستلزم ساختن طرمواره ها از طریق تعامل مستقیم با محیط است

همانطور که گفته شد. انطباق از دو فعالیت مکمل تشکیل می شود: **درون سازی و برون سازی**. هنگام درون سازی از طرمواره های فعلی خود برای تعبیر دنیای بیرونی استفاده می کنیم. مثلاً وقتی کودک اشیاء را پرت میکند، آنها را در «طرمواره انداختن» خود درون سازی می کند. هنگام برون سازی بعد از اینکه کودک متوجه می شود تفکر او کاملاً با محیط متناسب نیست طرمواره های جدیدی را به وجود می آورد یا طرمواره های قدیمی را تنظیم می کند. به عقیده پیاژه تعادل بین درون سازی و برون سازی با گذشت زمان تغییر می کند در صورتی که کودکان زیاد تغییر نکنند بیشتر درون سازی می کنند تا برون سازی به این حالت ثبات و رامتی تعادل می گویند. به عقیده پیاژه طرمواره ها زمانی به حالت واقعی تعادل می رسند که بخشی از شبکه گسترده سافتارهای شوند که بتوانند به طور مشترک در مورد محیط اطراف به کار برده شوند.

عوامل موثر در تمول شناختی از دیدگاه پیاژه

به نظر پیاژه، چهار عامل در تمول شناختی کودک تأثیر دارد که عبارتند از: (۱) پرسش

(۲) تجربیات محیطی (۳) تعاملهای اجتماعی (۴) تعادل جویی

نظریه های پیاژه، محطوف به نقش عوامل زیستی در تمول شناختی کودک است

ولی نحوه سازگاری و سازماندهی فرایندهای هوشی تابع دو عامل محیط و پیشینه

یادگیری فرد است، اما در مقابل، گرایش به سازماندهی فرایندهای هوشی و

برقراری سازگاریهای ویژه با محیط را به ارث می برد. به بیان دیگر پیاژه، بلوغ زیستی

فرد در طول زمان اشاره دارد تا به وراثت در تمول شناختی . با همه اهمیتی که پیازه برای بلوغ زیستی قائل است ، توانایی های شناختی کودک ، حاصل تعامل او با محیط است . پیازه به درک پگونگی فعالیت ذهن علاقه مند است و می خواهد بداند که فرد در تقابل با جهان پیرامون خویش چگونه عمل می کند .

پیاژه در عمل متقابل با جهان پیرامون ، بین تجربیات محیطی و تجربیات اجتماعی تفاوت قائل است . به نظر او نوع تجربه هایی که کودک از طریق کار (روی اشیاء به دست می آورد ، در تمول شناختی او موثر است . ولی محیط اجتماعی او نیز اهمیت ویژه ای برخوردار است و از آن میان ، پیازه بر نقش زبان در بازنمایی ذهنی اعمال تأکید دارد . البته برخلاف نظر برونر پیازه زبان را عامل به وجود آورنده هوش نمی داند بلکه زبان را تسهیل کننده تمولات شناختی از جمله هوش به حساب می آورد . به نظر پیازه گروه همسالان نیز در میان عوامل اجتماعی نقش ویژه ای در تمول شناختی کودک به عهده دارند .

« به نظر نمی رسد که عوامل زیستی (رشد دافلی) تجارب کسب شده و تعاملهای اجتماعی برای تبیین فرایند تمول کافی باشد ، بلکه باید عامل چهارمی را به آن افزود که همانا تعادل جویی است » .

به نظر پیازه ، فرایندهای هوشی از طریق فرایند تعادل جویی تنظیم می شوند تعادل جویی از اشکال خود تنظیمی است که به کودک فرصت می دهد تا شناخت پایدار و

هماهنگی از محیط به دست آورده ناهماهنگی های موجود در تجربیاتش را تشخیص دهد . به اعتقاد پیازّه ، کودک با این فرایند ، نقش فعالی در تمول شناختی خویش ایفا می کند.

مراحل تمول شناختی و عملیات از دیدگاه پیازّه

پیازّه فرایندهای شناختی را از بازتابهای اولیه نوزاد تا تفکر انتزاعی در چهار مرحله بررسی می کند : دوره حسی و حرکتی ، دوره پیش عملیاتی ، دوره عملیات عینی و دوره تفکر انتزاعی . به نظر پیازّه رشد شناختی آدمی در جریان مراحل به وجود می آید که از نظر کیفی و کمی با یکدیگر متفاوتند . هر یک از مراحل رشد شناختی ، سافت و عملکرد ویژه خود را دارد و یکی بر دیگری بنا می شود . یعنی هر سافت در عین حال که محصول یک مرحله را تمقق می بخشد ، نقطه آغاز مرحله بعدی نیز هست . انتقال از یک مرحله به مرحله بعدی ، تابع قانون استلزام است که شبیه فرایند یکپارچگی است . سافتار آغازین ، خود بخشی از سافتار بعدی است . هر کدام از مراحل با نظم مشخص و در زمانی نسبتاً معین ظاهر می شود . نظم موجود در پیشرفت مراحل ، پایدار و ثابت و در همه افراد همانند است ، ولی هر فرد ضمن پیروی از طرهای عمومی رشد شناختی ، ویژگیهای رشدی خاص خود را دارد .

۱- دوره مسی و مرکتی : به نظر پیاژه فعالیت‌های فکری در نخستین مرحله رشد کودک

به وسیله اعمال مسی و مرکتی شروع می شود ، یعنی عمل موجود زنده منشأ تعامل است و علت اولیه اعمال ذهنی کودک به شمار می رود .

کودک از طریق این فعالیت‌ها که ابتدا به صورت پاسفهای بازتابی است ، محیط را شناسایی می کند ، ولی هنوز قادر به تفکر نیست . از نظر پیاژه ، بازتابها در همان چند روزه اول زندگی بر اثر تجربه های نوزاد به یک سافتار نوین تمول می یابد. در این مرحله هوش کاملاً عملی است ولی همین اعمال ، اساس فعالیت‌های ذهنی بعدی را تشکیل می دهد . در این مرحله ، کودک از طریق ابزارهای مسی و مرکتی به طرح هایی از عمل دست می یابد که برای سافت‌های هوشی آینده اهمیتی ویژه دارد .

پس از پایان سال اول زندگی رفتار کودک اختصاصی تر می شود و تجارب خود را طوری سازمان می دهد که در مواجهه با موقعیت‌های جدید – به جای استفاده از طرح های ذهنی که بر اساس موقعیت‌های کم و بیش یکسان حاصل شده اند – بتواند با راه‌های جدیدی دست یابد و برای رسیدن به هدفی خاص وسیله ای معین انتخاب کند. از ویژگی های نوباوگان میتوان جست وجوی اشیاء پنهان ..وانمود به بازی کردن و در نتیجه رشد شناختی نوباوگان به طور منظم این ارزیابی نشان میدهد که کودکان نوعی دانش کسب کنند همانند سینه فیزکردن وادراک عمیق و توانایی یافتن اشیاء..

----- پایان بخش اول پیاژه ----- موفق

باشید -----